

“امنیت” آنها و امنیت ما



فواد عبداللهي

به استان صنعتي و معدني يزد، که بزرگترین اعتصاب و اعتراض کارگران سنگ آهن بافق باعث شد پای وزیر کار نیز برای اولین بار به این خطه باز شود، در مورد “امنیت اقتصادي”، هشدارهاي مشابهي را داده بود.

وقتي وزیر اطلاعات و امنیت یک مملکت از “امنیت اقتصادي” و “اخلال در پويایي اقتصاد” صحبت مي کند، کاملا روشن است که روي سخنش به کارگران و اعتصابات و اعتراضات روزمره آنها است.

بویژه وقتی که بیکاری، گرانی و فلاکت به بی سابقه ترین حد خود رسیده است و اعتراضات کارگری هر روز و در اشکال مختلف علیه نظم اقتصادي موجود در جریان است. ... صفحه ۲

وزیر اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامي، محمود علوي، در تورهایی متعددي که به شهرهاي صنعتي جنوب از جمله آبادان و خوزستان داشته، مقامات محلي را در مورد “امنیت” توجیه کرده است.

“پويایي اقتصادي” و “افزایش تولید”، “سرمایه گذاری در محيطي امن و سالم”، و خلاصه به پیش بردن سیاست “اقتصاد مقاومتي” محور اصلي اهداف وزارت اطلاعات در این دوره است. علوي صراحتاً آنها را در شهر آبادان خط و نشان کشیده است که با کسانی که بخواهند در امنیت اقتصادي جامعه و پويایي آن اخلال وارد کنند، قاطعانه برخورد خواهد شد! جناب وزیر پارسال هم در سفر خود

دست مذهب و مردسالاری از زندگی زنان کوتاه!

آن استفاده کرد و تقویتش نمود. چند روز پیش، فرخنده، زن ۲۷ ساله‌ای در کابل به اتهام آتش زدن قرآن و به فتوای یک روحانی به آتش کشیده شد. فیلم‌های ویدئویی منتشر شده نشان می‌دهد که چگونه عده‌ای از مردان “زن خاطی” را لگدمال می‌کنند، عده‌ای هم “الله اکبر” گویان به وي حمله می کنند و به سوی رودخانه کابل در نزدیکی مسجد می‌کشاند و در جلو چشمان پلیس در حالی که شاهد و ناظر این ماجراست و دست به کوچکترین اقدامی برای نجات این زن نمی‌زند، نهایتاً وي را به قسمت خشکي رودخانه می‌برند و به آتش مي کشتند. ... صفحه ۴

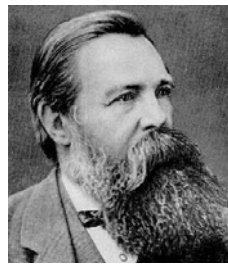
میکند. طبقه بورژوازی حاکم برای سرپا نگه داشتن این دنیای وارونه، برای تحکیم سلطه و نفوذ سیاسی و اقتصادی اش، برای جلوگیری از اعتراض کارگر و مردم محروم در جهان به مذهب و زن ستیزی احتیاج دارد و آن را در اشکال متنوع بازتولید میکند. در افغانستان غرب طالبان ها را سرکار آورد، در ایران برای سرکوب انقلاب ۵۷ جریان خمینی را جلوی صحنه آورد. امروز هم داعش و بوکوحرام را به جان مردم خاورمیانه و آفریقا انداخته اند.

بورژوازی که ۲۰۰ سال پیش برای تأمین منافعش مذهب را بطرز قاطعی کنار زد، در نیمه دوم قرن بیستم برای حفظ همان منافع از

حکمتیستی ۵۵

۲۳ مارس ۲۰۱۵ - ۳ فروردین ۱۳۹۴
دوشنبه ها منتشر میشود

زنده باد کمون! زنده باد اتحادیه انترناسیونال کارگری!



پیام انگلس به کارگران
فرانسه به مناسبت
پانزدهمین سالروز
کمون پاریس صفحه ۳

یونس عساکره در گذشت!

فواد عبداللهي

یونس عساکره کارگری از خطه خوزستان، که هفته گذشته با حمله مزدوران دولت اعتدال به دهک میوه فروشی اش، در اعتراض به بیکاری دست به خودسوزی زده بود، در بیمارستان مطهری تهران جان باخت! خب! “زندگی” ادامه دارد! دو تا بچه اش باید از فردا مثل حیوان در بازار کار به فروش روند؛ تن فروشی همسر اگر زمانی هراسی بیش نبود امروز دیگر در می زند. به جمع گرسنگان خوش آمدید! ... صفحه ۴

مونا شاد

در قرن بیست و یکم هنوز بساط خدا و خرافات مذهبی پهن است و پوچ ترین احکام و احادیث مذهبی، سیاست و قانون حاکم بر زندگی بخشهای وسیعی از مردم شده است. از یک طرف نقشه ژنتیک بدن انسان و تکثیر ژنتیکی موجودات زنده را میبینیم و از سوی دیگر دارند زن را آتش می زنند. قاعدتا با این همه پیشرفت باید دست درازی مذهب به زندگی زنان قطع می شد اما برعکس زنان زیر لگد قوانین وحشیانه اسلامی پامال می شوند. تاخت و تاز لمپنهای اسلامی از ایران و افغانستان تا عراق و سوریه و ترکیه و نیجریه بیداد

حتی بی خود نیست که جناب وزیر این سخنان را در استان های صنعتی ایران به زبان رانده است. مخاطب مستقیم او کارگران نفت جنوب، عسلویه، ماهشهر و کارگران واحدهای صنعتی بزرگ و کلیدی دیگر است که در این مناطق زندگی می کنند.

بدنبال اوجگیری اعتصابات و اعتراضات کارگری از یکسال گذشته، دولت اعتدال روحانی و مشخصاً وزارتخانه های کار و اطلاعات و امنیت، با همکاری شوراهای اسلامی و خانه کارگر، این گرگ های در لباس میش ضمن بدست گرفتن ابتکار عمل در انعکاس نارضایتی های کارگران، ضمن جا زدن خود در قباي "دوستان" کارگران، اقدام به یک شناسایی آرام و نرم از سازماندهندگان و رهبران رادیکال کارگری در محیط های کار و محلات کارگری کرده اند.

"تأمین امنیت" آنگونه که وزیر اطلاعات روحانی بطور سرپیسته به آن اشاره کرد یک وظیفه اصلی مقامات، تشکلهای زرد دولتی و کمیته های محلی رژیم در این مناطق است. وظیفه ای که به این مقامات محلی تفویض شده اینست که کارگران پیشرو و رهبران عملی را چه در کارخانه ها و چه در محلات شناسایی و به طریقی (با ارباب، تهدید، اخراج و زندان) خنثی کنند. اخراج اخیر ۱۷ کارگر فعال و سازمانده اعتصابات و اعتراضات معدن کوشک بافق، را باید بر متن اظهارات وزیر اطلاعات دولت روحانی درک کرد. این روشها البته تازگی ندارند؛ از دولتهای قبل از روحانی به ارث رسیده و پشتوانه عملی نیشی است که محمود علوی به کارگران نشان می دهد. ادامه در هم کوبیدن امید به رهایی، تلاش برای اتحاد و بهبود

در زندگی نسلی است که همین امروز جمهوری اسلامی را نمیخواهد، بردگی مزدی و دوندگی برای نان شب را در شان خود نمیداند. نسلی که توقع دارد که سهمی بیشتر از آنچه خود ساخته، نصیبش شود.

کسی که میخواهد بداند که "گشایش اقتصادی" دولت اسلامی چیست، بجای تعمق و تفحص در کلی گویی های روحانی و کل جناح های بورژوازی ایران در مورد "توسعه اقتصادی"، باید به سخنان وزیر اطلاعات و امنیت ایشان دقت کند.

کنه سیاست اقتصادی دولت اعتدال بورژوازی ایران، خاموش نگه داشتن طبقه کارگر و تلاش در راه قانع کردن این طبقه به ادامه کار ارزان، گرسنگی، بیکاری و عدم بیمه بیکاری و تمکین به فلاکت است. کسی که میخواهد معنی واقعی "گشایش سیاسی" روحانی را بداند باید به درجه محرومیت کارگر از آزادی تحزب، اعتصاب، اعتراض و تشکل دقت کند. سخنان جناب وزیر عصاره سیاست و اقتصاد رژیم فعلی را به روشنی بیان میکند.

برای کارگران آگاه که در متن این اوضاع زندگی و مبارزه میکنند، سخنان محمود علوی، چیز جدیدی نیست. برای آنها مسله اینست که چگونه این برج "امنیت" بورژوازی و باروی اختناق سرمایه که در مقابل جنبش کارگری بنا شده، فرو ریزند و بر ویرانه های آن دنیایی آزاد و برابر بسازند. طبقه کارگری که شاهرگ حیات جامعه از بالا تا پایین آن به کار او زنده است، تنها نیرویی است که میتواند این جامعه را رهبری کند! این انتظار که کارگران نفت و برق و آب و گاز و حمل و نقل و باراندازان و ... یک روز و فقط یک روز با فرمان ایست به

بیکارسازی های وسیع، محدود کردن امکانات اعتراضی کارگران و بازتر گذاشتن دست سرمایه داران و دولت شان در انباشت بیشتر سرمایه و تعرض به طبقه کارگر را به امید مذاکره با آمریکا و "گشایش اقتصادی" بورژوازی ایران دور می زند، کسی که با پرچم "توسعه و پویایی اقتصاد" سرمایه داری ایران ظاهر می شود (آنهم در دورانی که سرمایه داری بین المللی بی افق و بی الگو روی دست حاکمانش مانده است)، جارچی به فلاکت کشاندن کارگران ایران در خدمت هم نواخت کردن نیروی کار ارزان این طبقه با نیازهای بازتولید سرمایه داری جهانی و محلی است. ژورنالیسم نوکر و روشنفکر جیره خوری است که بسته به اینکه از کدام "منبع" تغذیه میشود موضع همان "منبع" را تئوریزه میکند و بعنوان وکیل مدافع رشد سرمایه و سرمایه داری ظاهر میشود.

برای اینها سه دهه است که رستگاری و "امنیت" سرمایه در پیوستن به کلوپ "جامعه جهانی" است. و هیچکس اندازه خود جناب وزیر اطلاعات روحانی پرچمدار این "امنیت و شکوفایی اقتصادی" و لاجرم سیاسی نیست. همه میخواهند با دامن زدن به فضای انتظار و با اتوپی "توسعه اقتصادی" سر کارگر را به امید "کارآفرینی و اشتغال"، شیره بمالند. میخواهند کارگر سرباز حلقه بگوش دولت بسمت استثمار و سودآوری بیشتر سرمایه باشد!

و برای این هدف، روسای دزد ها را جمع کرده اند تا راجع به "امنیت" تصمیم بگیرند! این صف را باید تار و مار کرد، باید شاخ دولت را شکست و همین حقیقت را با صدای بلند اعلام کرد که:

روسای دزدها جمع شده اند تا "امنیت" محل را تأمین کنند!

گرانی و برای بیمه بیکاری مکفی گوشه ای از قدرت شان را در مقابل این خدایان فقر نشان دهند، غیر قابل وصول نیست! بی تردید تنها اعلام چنین آمادگی لرزه بر اندام تمام هیئت حاکمه بورژوازی ایران خواهد انداخت. این نیرو میتواند به میدان بیاید. در این مسیر، سلاح قدرتمند کارگران تشکل توده ای و علنی آنهاست. بهترین راه تأمین امنیت برای کارگر، به میدان کشاندن و در میدان نگه داشتن توده های کارگر حول جنبش مجامع عمومی و منظم کردن مجمع عمومی در محل کار و زیست طبقه کارگر است.

اما هیچ بخشی از طبقه کارگر به تنهایی توان تأمین امنیت در مقابله با تعرض سراسری و متحدانه طبقه حاکمه را ندارد و لذا این امر تنها زمانی ممکن است که کارگر سوسیالیست در کالیبر رهبری سراسری طبقه کارگر و نه صنفی گری محدود رفرمیستی ظاهر شود و درد مشترک طبقه کارگر را با مطالبات توده ای و سراسری متشکل کند. اتحاد کارگر شاغل و بیکار، اتحاد علیه بیکاری و خواست افزایش دستمزدها و بیمه بیکاری مکفی، خواست عمومی و سراسری کل طبقه کارگر ایران است. باید تمام نیروی خود را به میدان آورد، و تلاش کرد در هر مرکز کارگری و بخصوص در مراکز کلیدی و بزرگ تولید، با دخیل کردن همه کارگران در مجامع عمومی، با شکل دادن به شبکه ای از رهبران کارگری در ابعاد سراسری حول مهمترین مطالبات خود متحد شد و به عنوان یک طبقه در مقابل تعرض همین امروز بورژوازی ایران و دولت اش سدی بست.

کسی که کاهش سطح دستمزد کارگران، کاهش هزینه های بهداشت و رفاه عمومی،

زنده باد کمون! زنده باد اتحادیه انترناسیونال کارگری!

پیام انگلیسی به کارگران فرانسه به مناسبت
پانزدهمین سالروز کمون پاریس

امشب کارگران تمام جهان به اتفاق شما سالروز درخشان ترین و غم انگیزترین مرحله تکامل پرولتاریا را جشن می گیرند. در سال ۱۸۷۱ طبقه کارگر برای اولین بار در تاریخ خود، در یک پایتخت بزرگ، قدرت سیاسی را در دست گرفت. اما متأسفانه همه چیز همچون رؤیایی به پایان رسید! کمون پاریس از یکسو به وسیله جیره خواران امپراتوری سابق فرانسه و از سوی دیگر به وسیله پروس ها در تنگنا قرار گرفت و به سرعت آنچنان در سیل بی مانندی از خون خفه شد که هرگز فراموش نخواهد شد.

ارتجاع پیروز دیگر مرزی نمی شناخت و به نظر میرسید که سوسیالیسم در خون غرقه شده و پرولتاریا برای ابد به بردگی محکوم شده است. پانزده سال از این شکست گذشته است. در این فاصله در تمام کشورها، قدرتی که در خدمت اربابان زمین و پول قرار دارد، از هیچ اقدامی فروگذار نکرده است تا مگر آخرین حرکت عصیانی کارگران را نیز فلج نماید و دستاوردهای آن چه بوده است؟

به اطراف خود نگاه کنید. سوسیالیسم انقلابی کارگران، پرحیات تر از هر زمان دیگر امروز قدرتی شده است که در

همه جا قدرتهای حاکم در مقابل آن به لرزه افتاده اند، خواه رادیکالهای فرانسه و خواه بیسمارک، خواه سلطانهای بورس آمریکا و خواه تزار روسیه البته این تمام قضیه نیست! ما به نقطه ای رسیده ایم که همه دشمنان ما، به هر اقدامی هم که دست بزنند باز برخلاف تمایل خودشان به نفع ما کار کرده اند. آنها تصور می کردند که می توانند انترناسیونال را نابود نمایند، اما امروز انترناسیونال اتحادیه پرولتاریاست و برادری کارگران انقلابی کشورهای مختلف هزار بار محکم تر و پرمایه تر از دوران قبل از کمون است. انترناسیونال به معنی واقعی کلمه دیگر نیازی به تشکیلات ندارد و به وسیله همکاری خودبخودی و مشتاقانه کارگران اروپا و آمریکا برجای مانده و نیرومندتر میشود.

در آلمان، بیسمارک همه وسایل و حتی ردیلانه ترین وسیله را بکار برده است تا جنبش کارگری را درهم بکوبد. نتیجه آن: قبل از کمون با چهار نماینده سوسیال دمکرات (در مجلس آلمان) سرو کار داشت ولی پیگردهای او این اثر را داشتند که اکنون ۱۵ نفر (نماینده سوسیال دمکرات) انتخاب شده اند، و پرولتاریای آلمان، صدر اعظم بزرگ را به باد مسخره گرفته است، زیرا حتی

اگر قرار بود جایزه ای به او (به بیسمارک) بدهند، نمی توانست بهتر از این برای انقلاب تبلیغ کند. در فرانسه لیست انتخاباتی را به شما تحمیل کرده اند.

یعنی یک انتخابات بورژوازی به تمام معنی که خودشان اختراع کرده اند تا مطمئن باشند که صرفاً وکلای دادگستری، روزنامه نگاران و سایر ماجراجویان سیاسی و بلندگویان سرمایه انتخاب می شوند. و این سیستم انتخاباتی چه چیز را عاید قلمرو بورژوازی کرده است؟ پارلمان فرانسه در دامن خود یک حزب سوسیالیستی کارگری را پرورده است که صرفاً ظهور آن در صحنه کافی بوده است تا موجب بروز گیجی و آشفتگی در صفوف تمام احزاب بورژوازی گردد.

بنابراین ما در چنین مقطعی قرار داریم که هر رویدادی به نفع ما تمام می شود و خشن ترین اقدامات برای ممانعت از پیشروی پرولتاریا، فقط رژه پیروزی ما را تسریع خواهد کرد. دشمن مبارزه می کند و محکوم به آنست که به نفع ما مبارزه کند و این کار را آنقدر خوب و کامل انجام داده است که امروز در ۱۸ مارس ۱۸۸۶، از سینه هزاران کارگر، از پرولتاریای معادن کالیفرنیا و اطراف آویرون (رودخانه ای در فرانسه) گرفته تا کارگران تبعیدی معادن سیبری - این فریاد برمی خیزد:

زنده باد کمون!
زنده باد اتحادیه انترناسیونال
کارگری!

فردریش انگلس
۱۵ مارس ۱۸۸۶

این قطعه نامه بین ۱۳ تا ۱۸ مارس ۱۸۷۲ توسط مارکس نوشته شده و از روی دستخط مارکس که به زبان فرانسه بوده و نزد دخترش ینی پیدا شده، ترجمه گشته است. به نقل از سایت کمونیست های انقلابی

قطعه نامه گردهمائی سال روز کمون پاریس

گردهمائی یادبود سالروز ۱۸ مارس ۱۸۷۱ قطعه نامه ی زیر را تصویب کرده است:

جنبش پر افتخار ۱۸ مارس را بمثابة سپیده دم سرخ انقلاب بزرگ سوسیالیستی - که انسانها را برای همیشه از رژیم طبقاتی نجات خواهد داد - تلقی می کند.

اعلام می دارد که: دیوانگی ها و جنایات طبقه ی بورژوا را که در تمام اروپا بر گرد محور نفرت از کارگران متحد شده اند و همچنین جامعه ی قدیم را به هر شکل حکومتی که می خواهد باشد - چه سلطنتی و چه جمهوری - محکوم می کند.

اعلام می دارد که: لشکرکشی همه حکومتها بر علیه انترناسیونال و اقدامات تروریستی قاتلین ورسای و همچنین فاتحین پروس آنها، دلیل بی ارزشی موفقیت آنها بوده و مؤید آنست که ارتشهای رزمنده ی پرولتاریای جهانی پشت سر پیش آهنگان قهرمان خود - که به وسیله ی نیروهای متحد تیرس و ویلهلم از پا درآمدند - ایستاده اند.

مرکز جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

دست مذهب ...

فرخنده آگاهانه در جلوی مسجد، قرآن را به آتش کشید تا به همگان بگوید که مسبب بخش زیادی از بدبختی‌ها و قوانین زن‌ستیز، مردسالاری، کشتار و خون‌ریزی در آن مملکت، قوانین مذهبی و مردسالار است. فرخنده با تمام دردی که کشید گویا در نگاهش برای حماقت کسانی که زیر مشتش و لگدش گرفته‌اند دل می‌سوزاند که دین، پیامی جز توحش برای بشریت ندارد و انسان‌ها را در جهالت و تاریکی مطلق نگه میدارد. اگر دانه ارزنی وجدان و شرافت و انسانیت در وجود کسی باشد با دیدن تصویر سلاخی کردن این زن، شک نخواهد کرد که مذهب و دین چقدر متعفن است.

اما و قبل از هر چیز، باید این تصاویر را جلو هیئت حاکمه آمریکا گرفت. برای آنها که یک جامعه را قربانی منفعتهای غرب در دوران جنگ سرد و حفظ کمربند سبز علیه خطر کمونیسم و چپگرایی در منطقه خاورمیانه کردند. این آن نقطه ای است که زنان افغانستان را سالها قبل به زیر چکمه توحش طالبانها و روسای عشایر انداخت و سالهاست به آن شرایط دارد و جاهت قانونی می‌دهد. این آن پسمانده های غرب تحت نام اسلام سیاسی در سالهای پس از جنگ سرد است که زنان افغانستان و کل خاورمیانه را چنین قربانی ارتجاع عنان گسیخته اسلامی و مردسالاری و نظم سیاسی و اقتصادی حاکم کرده است. اوضاع امروز زنان در افغانستان و کشورهای اسلام زده، عارضه جانبی دوران بی اطمینانی، تردید، سیاهی و ارتجاع و به عقب راندن جوامع انسانی توسط بورژوازی جهانی بودند. اینها از بربریت ۱۴۰۰ سال پیش نمی‌آمدند بلکه

محصول دهه ۸۰ میلادی، دوران عروج کنسرواتیسیم، حملات اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری، در هنگامه فروپاشی بلوک شرق و اعلام پایان کمونیسم اند.

فوج فوج تئوری پست مدرنیستی و فمینیستی شکل گرفت. گفتند که حقوق زنان، خواست شان برای برابری اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در کشورهای موسوم به جهان سوم و خاورمیانه مشروط و محدود به فرهنگ و مذهب خودی است و باید طبق ارزشهای سنتی و مذهبی تعریف شوند. سیاست "نسبت فرهنگی" بحث داغ کانون های روشنفکری و فرهنگی و دانشگاهی در غرب شد، پوششی برای ایجاد یک آپارتاید همه جانبه اجتماعی، قانونی، فرهنگی، بر اساس تمایزات قومی، مذهبی و جنسی شد. این آپارتاید کامل، تا به امروز ابتدایی ترین حقوق و آزادیهای زنان را پایمال کرده و توحش رژیمها و جنبشهای اسلامی را توجیه و تئوریزه کرده است. زیر پوشش اجتناب از اورینتالیسم، راسیسم و اروپا-محوری، حملات وحشیانه اسلام و فرهنگ سنتی و مردسالار به حقوق زنان را توجیه و مشروع کردند. با محدود و مشروط کردن حقوق زنان به سنت و مذهب، بیحقوقی زنان در جوامع غیر غربی توجیه شد. در حالیکه همان سنن و قوانین مذهبی در جوامع غربی، بربریت محسوب می‌شوند. در تبیین خواستها و تلاش زنان برای کسب حقوق خود در جوامع موسوم به جهان سوم و خاورمیانه تلاشها کردند مفاهیم رهایی و برابری زنان را بعنوان "غربی" و وصله ناجوری در زندگی زنان در جوامع شرقی جا بزنند. و در این میان خفت و

یونس عساکره ...

و در این میان، برخی مقامات رژیم و رسانه های حلقه بگوش بورژوازی، این گرگهای در لباس میش، اشک تمساح برای بازماندگان یونس میریزند. باید با استدلال مردم را از دست زدن به اعتراض منصرف کرد، باید قانعشان کرد که قتل عام یونس ها، که گرسنگی و به فلاکت کشاندن خانواده کارگری همانقدر طبیعی و خارج از اراده بشر است که خراب شدن شهرها بعلت زلزله و توفان... بالا و پایین رفتن و شکستن لایه‌های زمین، زلزله می‌آفریند و بالا و پایین رفتن عرضه و تقاضا و لاجرم امنیت سرمایه، بیکاری و گرسنگی. زلزله زدگان علیه علل طبیعی زلزله دست به شورش بر نمیدارند، گرسنگان هم نباید چنین کنند. این همه حرف آنهاست. در مذهب اینان مالکیت خصوصی مقدس‌ترین مقدسات است. احکام تیرباران بیدرنگ گرسنگان اگر که به این مقدسات حمله

سکوت فمینیستهای غربی در مواجهه با لگدمال شدن وحشیانه حقوق زنان در کشورهای اسلام زده طی سه دهه گذشته دیدنی است. گویی آنچه که بر سر زنان و دختران در این جوامع و یا در خانواده های اسلامی می‌آید، حق آنهاست. چرا باید مرزهای جغرافیایی و ارزشهای ارتجاعی فرهنگی حاکم حقوق انسانها را تعیین کند؟ چرا چیزی که در فرهنگ غربی ستمگرانه و بربریت است، در جامعه غیر غربی باید بعنوان ارزش پذیرفته شده و قابل اطاعت تلقی شود؟ مگر چند جور انسان و چند نوع حقوق انسانی وجود دارد؟

کنند، در قوانین دولتی از پیش صادر شده است. دولت دولت آنها، پلیس پلیس آنها، مجلس آنها و دادگاه دادگاه آنهاست و برای ما اکثریت مردم ظاهرا فقط دو راه باقی میگذارند: یا مرگ از گرسنگی یا بردگی مزدی برای صاحبان وسائل تولید. دولت اعتدال، رژیم سرمایه داری ایران است. رژیم سی سال ضدیت با انسان و هر آنچه انسانی است؛ رژیم اختناق، گرسنگی و زجرکش کردن طبقه کارگر، رژیم تعدی به جان و حرمت این طبقه است. تنها وقتی کارگران اراده کنند این نظم و این نظام از حرکت میایستد، آتش جهنم خاموش میشود، گرسنگان به غذا و استثمارگران جنایتکار به سزای خود میرسند. روزی که سران این رژیم، اربابان و یاران و همکاران این دولت در پیشگاه طبقه کارگر آزاد شده ایران به محاکمه کشیده شوند، دیر نیست. امروز تمام جهان با آنچه اینان با این طبقه و با این جامعه کردند، خواهد گریست!

باید به این توحش افسار زد؛ تنها یک راه وجود دارد. متحد کردن مردم در قالبی که بر زندگی روزمره خود حاکمشان کند و دست دارودسته های اسلامی و قومی را از زندگیشان کوتاه کند. این تباهی و این ارتجاع تعمیم یافته را تنها با پاکسازی آن و با قدرت میتوان پاسخ داد. تنها کمونیسمی دخالتر و در صحنه و زنده و پویا می‌تواند زندگی زنان را از زیر چکمه های خونین ارتجاع محلی و منطقه ای در جوامع خاورمیانه نجات دهد.

www.hekmatist.com
 سردبیر: فواد عبداللہی
 fuaduk@gmail.com

تماس با حزب
 hekmatistparty@gmail.com

زنده باد انقلاب کارگری!